

آیا رژیم
جمهوری
اسلامی ...



ارومیه و
گرایشات
شهوینستی



ایران و
سوریه و
کنفرانس ...



آنچه هر
ایرانی
باید در ...



یادی از
۷ مبارز
دمکرات



تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

شماره ۶۱۵ سه شنبه، ۳۰ مهر ۱۳۹۲، ۲۲ اکتبر ۲۰۱۳، ۱۵۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

پارسان‌ها قربانی وعده‌های روحانی

سلفن

ناهدید حسینی

دام‌های مرگ

جنگ ایران و عراق که ۸ سال به طول انجامید، پس از به جا گذاشتن یک میلیون نفر کشته، در سال ۱۳۶۷ به پایان رسید. با گذشت ۲۵ سال، آثار مخرب آن همچون وجود مین‌های خنثی نشده در مناطقی به وسعت ۶ میلیون هکتار که به دلیل عدم رسیدگی و سهل‌انگاری عمدی مسئولین رژیم ایران، به بلای جان شهروندان ایرانی و به‌ویژه ساکنین استان‌هایی که با کشور عراق دارای مرز مشترک می‌باشند، از جمله کردستان، کرمانشان، آذربایجان غربی، ایلام و خوزستان تبدیل شده‌اند.

یونیسف، صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد، در گزارشی مربوط به کشور عراق اشاره می‌کند که مرز ایران و عراق، "پررین ترین منطقه جهان" می‌باشد و بیش از ۲۰ میلیون مین "ضد نفر" در مرز دو کشور وجود دارند. رفت و آمد و داد و ستد میان کردها به‌ویژه کولبران به منظور تأمین زندگیشان در مرز میان مناطق کردنشین ایران و عراق سبب شده است که روزانه شاهد انفجار مین‌های کاشته شده در این مناطق و کشته و زخمی شدن کولبران و حتی مردم عادی در مناطق مرزی باشیم.

آژانس خبری کردپا در آمار اعلام شده خود در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۱ اعلام می‌دارد که تنها در ۵ سال گذشته، ۳۲۴۲ مورد حادثه‌ی مرتبط با انفجار مین در مناطق کردنشین رخ داده‌اند که ۸۰۰ قربانی به همراه داشته است. در یک سال گذشته نیز ۲۹ شهروند کرد، قربانی انفجار مین‌های کاشته شده، گردیده‌اند که ۱۲ نفر از آن‌ها کودکان زیر ۱۵ سال بوده‌اند. در اینجا لازم است اندکی درنگ نمایم، در بهمن‌ماه ۱۳۹۱ در محله‌ی "موسک ۲" مریوان، چند کودک در حین بازی قربانی مین می‌شوند و یکی از آن‌ها، جان خود را از دست می‌دهد. در سال ۱۳۹۲، لیلیا و غزال، دو خواهری بودند که در فاصله‌ی ۱۰ متری منزل خود، یک نارنجک دستی را پیدا می‌کنند و هر دو آن‌ها قربانی می‌شوند و ...

در تازه‌ترین رویداد نیز، روز جمعه ۲۶ مهر در روستای «نشکاش» از توابع شهر مریوان، ۷ کودک ۸ تا ۱۰ ساله قربانی انفجار مین می‌شوند و دختر بیچای به نام «کشین» یکی از باهای خود را از دست می‌دهد و سایر کودکان نیز به شدت مجروح می‌شوند.

کشته و زخمی شدن و نقص عضو شهروندان کرد بر اثر انفجار مین‌های کاشته شده در مناطق کردنشین در حالی ادامه دارد که هر روزه پروتکل‌ها و معاهدات گوناگونی به منظور دفاع و صیانت از جان انسان‌ها به امضا می‌رسند، اما جامعه‌ی جهانی و مراکز تصمیم‌گیری جهانی نسبت به سرنوشت ملت کرد و در معرض خطر قرار گرفتن کودکان و فرزندان آن سکوت اختیار نموده‌اند.

در حالی که قرار بود پیروان آئین یاری، در مقابل مجلس شورای اسلامی رژیم نسبت به پایمال‌شدن حقوق خود تجمع اعتراضی برگزار کنند، اما پیش از برگزاری این تجمع، بیش از ۳۰ شهروند یارسانی توسط نیروهای امنیتی رژیم ایران بازداشت شدند.

به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۸ مهرماه به دنبال فراخوان "مجمع مشورتی فعالین مدنی یارسان" مبنی بر برگزاری تجمع اعتراضی پیروان آئین یاری در مقابل مجلس که متعاقب توهین به آئین یاری و خودسوزی چندین پیرو این آئین در اعتراض به نقض گسترده‌ی حقوق خود صورت گرفت، بسیاری از شهروندان این آئین از شهرهای کرمانشاه، ایلام و قزوین به تهران رفتند.

یک منبع مطلع ضمن تأیید بازداشت شهروندان یارسان اظهار داشت: "این افراد به هنگام حرکت بسوی محل برگزاری تجمع اعتراضی در خیابان‌ها و متروهای منتهی به مجلس رژیم بازداشت شده‌اند.

دو تن از برادران "تیکمرد طاهری" که پانزدهم خردادماه سال جاری در مقابل زندان همدان اقدام به خودسوزی کرد، به نام‌های "قدرت طاهری" و "روح‌الله طاهری" نیز در میان بازداشت‌شدگان

می‌باشند. برخی از گزارش‌ها حاکیست که شمار بازداشت‌شدگان به بیش از یکصد نفر رسیده است. به دنبال بازداشت این افراد از سوی نیروهای رژیم ایران، فضای

مقابل و اطراف مجلس به شدت امنیتی شده است.

سازمان ملل خواستار آتش‌بس موقت در سوریه شد

از هر گونه امکانات رفاهی محرومند. جان برخی از این افراد را گرسنگی تهدید می‌کند و شماری از آنها نیز از بیماری‌هایی که بر اثر سوء تغذیه بروز کرده‌اند، رنج می‌برند.

بخش اعظم منطقه معظمیه در دست شورشیان است. نیروهای دولتی از ماه آوریل (اردیبهشت‌ماه) این منطقه را محاصره کرده‌اند و در این میان دسترسی سازمان‌های امدادی به نیازمندان عملاً غیرممکن است. معظمیه یکی از مناطقی است که در ماه اوت مورد حمله‌ی شیمیایی قرار گرفتند.

خانم آموس در بیانیه‌ای از نیروهای درگیر در سوریه خواسته است که با برقراری آتش‌بس موقت، امکان رساندن کمک به ساکنان معظمیه و انتقال آنها به مناطق دیگر را فراهم کنند.

با بحرانی‌تر شدن وضعیت غیرنظامیان در مناطق حاشیه‌ای پایتخت سوریه، سازمان ملل خواهان ایجاد یک "گذرگاه امن" برای نیروهای امدادگر شده است.

این در حالیست که نیروهای دولتی و اسلامگرایان افراطی در مناطق حاشیه‌ی دمشق، به‌ویژه در منطقه‌ی "معظمیه" همچنان به خونریزی ادامه می‌دهند.

در این میان قربانیان اصلی غیرنظامیانی هستند که بین گروه‌های درگیر گرفتار شده‌اند. به گفته‌ی والری آموس، بلندپایه‌ترین مقام سازمان ملل در امور بشردوستانه، در هفته گذشته نزدیک به سه هزار تن از ساکنان منطقه‌ی معظمیه در حومه دمشق به مناطق دیگر منتقل شده‌اند اما هنوز دست‌کم همین تعداد غیرنظامی در معظمیه مانده‌اند و

سرکوب معترضان تجزیه‌ی استان هرمزگان

خروج نیافتند. بیشتر نیز مردم معترض بندرعباس با تجمع در مقابل صدا و سیما، با سر دادن شعارهایی خواهان پوشش اخبار اعتراضات شده بودند.

از زمان اعلام رسمی مصوبه جداسازی مناطقی از شهرستان "پارسیان" استان هرمزگان و الحاق آن به استان فارس، معترضان استان هرمزگان با برگزاری تجمعاتی مخالفت خود با این مصوبه را اعلام کرده‌اند.

شایان ذکر است که استان "فارس" هیچ راهی به دریا ندارد و به نظر می‌رسد که دولت روحانی با تجزیه‌ی هرمزگان و الحاق شهرستان "گاوبندی" که رژیم نام آن را به "پارسیان" تغییر داده بود، قصد دارد منفذی برای استان "فارس" به دریا باز کند.

نیروهای امنیتی رژیم، عصر جمعه ۲۶ مهرماه برای متفرق کردن تظاهرات معترضان در شهر بندرعباس اقدام به شلیک تیر هوایی کردند.

به گزارش سایت "کمپین صلح فعالان در تبعید" دوازدهمین روز اعتراض مردم بندرعباس نسبت به الحاق بخشی از استان هرمزگان به استان فارس، با واکنش پلیس و تیراندازی هوایی همراه شد.

بنابراین گزارش، یورش به مردم معترض تنها ساعتی پس از اولتیماتوم غلامعلی نعیم‌آبادی، نماینده‌ی خامنه‌ای در بندرعباس در خصوص پایان تجمعات اعتراضی، روی داد.

حمله‌ی پلیس برای پراکنده کردن معترضان با شلیک‌های هوایی همراه بود، به طوری که حتی گروهی از مردم که داخل آرامگاه "امامزاده سید مظفر" اجتماع کرده بودند، به دلیل درگیری برای مدتی اجازه



بیانیهی حزب دمکرات کردستان ایران کمیتهی خارج از کشور



هیأت مجلس ایران در کنفرانس ژنو شرکت خواهد کرد. پس از ترور ویسن، حکم بازداشت بین المللی

برای صحرارودی و سایر تروریست‌ها از سوی دادستان وین صادر شد. نمایندگان حزب دمکرات کردستان ایران با استناد به این حکم، از دولت‌های اتریش و سوئیس درخواست نموده‌اند که نامبرده را در سوئیس بازداشت نمایند و به دولت اتریش تحویل دهند. در همین حال، سعی ما بر این بوده که در بسیاری از کشورهای دیگر و از طریق نمایندگان پارلمان‌ها و سیاستمداران دوست، دولت سوئیس تحت فشار قرار داده شود تا محمد جعفر صحرارودی بازداشت گردد.

تا زمان انتشار این بیانیه، دو دولت سوئیس و اتریش هیچ گونه موضع رسمی اتخاذ ننموده‌اند. ما با در نظر گرفتن تجاری که در رابطه با کشورهای غربی داریم، لازم دانستیم که از طریق این بیانیه، افکار عمومی و رسانه‌های ارتباط جمعی را به منظور تحت فشار قرار دادن دولت‌های سوئیس و اتریش مطلع نمایم

حزب دمکرات کردستان ایران - کمیتهی خارج از کشور در رابطه با شرکت هیأت مجلس رژیم ایران در کنفرانس بین‌المجالس ژنو بیانیهی صادر نمود.

متن کامل این بیانیه عیناً در پی می‌آید:

روز دوشنبه ۷ اکتبر ۲۰۱۳ میلادی، هیأتی از مجلس ایران به منظور شرکت در کنفرانس اتحادیهی بین‌المجالس وارد شهر ژنو سوئیس شد. پس از رسیدن هیأت ایران به این شهر، مطلع شدیم که یکی از اعضای این هیأت، محمد جعفر صحرارودی تروریست جمهوری اسلامی است که در سال ۱۹۸۹ میلادی به همراه چند تروریست دیگر، دکتر عبدالرحمان قاسملو و همراهانش را در شهر وین پایتخت اتریش به شهادت رساندند. پس از آگاهی یافتن از این موضوع، کمیتهی روابط حزب دمکرات در خارج از کشور، از طریق نمایندگان حزب در اتریش و سوئیس، این موضوع را پیگیری و به صحت این امر واقف گردیدند که صحرارودی به عنوان یکی از اعضای

گزارش تشکیلات خارج از کشور حزب دمکرات در سوئیس در رابطه با سفر صحرارودی به ژنو

پس از سفر صحرارودی به اروپا و حضور وی همراه با هیأت مجلس رژیم ایران در کنفرانس بین‌المجالس ژنو، پلیس و ادارات بین‌المللی مرتبط از سوی کمیته‌های خارج از کشور حزب دمکرات

از حکم دستگیری بین‌المللی صحرارودی مطلع گردیدند، اما هیچ‌گونه اقدامی انجام نداده و هیچ راهکاری در پیش نگرفتند. به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، پس از مطلع شدن کمیتهی حزب دمکرات کردستان ایران در اتریش از سفر صحرارودی، مظنون اصلی ترور دکتر قاسملو و همراهانش به ژنو برای شرکت در کنفرانس سالانه بین‌المجالس، کمیتهی حزب دمکرات چندین عضو پارلمان و اعضای ادارات دولتی حکومت سوئیس را از حضور صحرارودی در ژنو مطلع کرد.

بعد از مطلع نمودن چندین نهاد دولتی اتریش از سوی کمیتهی حزب دمکرات در این کشور، تاکنون نیز هیچ پاسخی به کمیتهی حزب دمکرات کردستان ایران داده نشده است و هیچ اطلاعی از سرنوشت قاتل دکتر قاسملو و همراهانش مبنی بر دستگیری یا عدم دستگیری وی در دست نمی‌باشد.

حکم بین‌المللی دستگیری محمد جعفر صحرارودی که نام خانوادگی خود را از صحرارودی به جعفری تغییر داده است، به اتهام ترور دکتر قاسملو، عبدالله قادری آذر و دکتر فاضل رسول از سوی دادگاه وین صادر گردیده، اما این حکم تاکنون به پلیس بین‌الملل (اینترپول) داده نشده است.

در ارتباطی که دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در خارج از کشور با پلیس اینترپول برقرار کرد، پلیس اینترپول اعلام کرد که آنان حکم دستگیری صحرارودی را ندارند.

محمد جعفر صحرارودی از یازدهم تا هفدهم مهرماه ۱۳۹۲، در نشست بین‌المجالس ژنو - نشست پارلمان‌های جهان - حضور یافت و نمایندهی حزب

تا بر اساس قوانین و مقررات بین‌المللی اقدام نمایند و این فرصت پیش آمده را نیز فریادی منافع و مصالح اقتصادی و سیاسی خویش نمایند.

ما برای دستیابی به عدالت، تمام تلاشمان را مبذول داشته‌ایم و به طور قطع، برای به نتیجه رساندن تلاش‌هایمان از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد و این مسأله را پیگیری خواهیم نمود.

در همین جا، از تمامی مجامع و محافل بین‌المللی و دولت‌های غربی و اتحادیهی اروپا خواستاریم از دولت سوئیس بخواهند که بر اساس قوانین بین‌المللی عمل نموده و محمد جعفر صحرارودی را بازداشت و به دستگاه قضایی اتریش تحویل نمایند.

تلاش خواهیم کرد که در آینده و در این رابطه، اطلاعات بیشتری را منتشر نماییم.

حزب دمکرات کردستان ایران
کمیتهی امور خارج از کشور

فیلم "مرز شکسته" جایزه‌ی نقره‌ای جشنواره‌ی بین‌المللی بیروت را کسب کرد



نمایندهی حزب دمکرات کردستان ایران از پلیس شهر ژنو درخواست کرده بود که اجازه‌ی تجمع اعتراضی علیه سفر صحرارودی به این کشور را صادر کنند، اما پس از ۱۲ ساعت پلیس اجازه‌ی تجمع اعتراضی را داد.

در این تجمع اعتراضی که در مقابل ساختمان UN برگزار شد، معترضین در تلاش برای شناساندن این تروریست بودند.

همچنین نمایندگی حزب از طریق کارلو سموگا رئیس گروه پارلمنتارهای دوست ملت کرد، سازمان "ترایل" را که در زمینه‌ی تعقیب متهمان تخصص دارند مطلع کرده است و به دنبال آن رسانه‌های کانون "ژنو" از راه نشر روزنامه‌های "کومینکه" دوبریس "مطلع شده‌اند.

تا این لحظه هنوز دادگستری کل کانون ژنو، موضع خود را در رابطه با سفر نامبرده به سوئیس اعلام نکرده و دفتر نمایندگی حزب در سوئیس منتظر پاسخ است.

افراد و جریان‌های سیاسی که با آنها ارتباط برقرار شده است و در رابطه با سفر صحرارودی مطلع شده‌اند، عبارتند از:

- وزارت امور خارجهی سوئیس

- وزارت داخلی سوئیس

- شکایت به دادگستری کل کانون ژنو که از طریق وکیل و پارلمان مارو پزا، شکایت ثبت شده است.

- کارلو سموگا عضو پارلمان و رئیس گروه پارلمنتارهای دوست ملت کرد

- ملک اوردم، عضو پارلمان سابق شهر ژنو

- کارک فولکی، عضو پارلمان شهر ژنو

دیدار هیأت حدکا با حزب کومله کردستان ایران



در این دیدار، وضعیت کنونی ایران پس از روی کار آمدن حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهور، شرایط منطقه و جهان و زمینه‌های همکاری دوجانبه و متقابل مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و دو طرف آمادگی خود را برای همکاری و همکاری بیش از پیش در آینده اعلام نمودند.

در پایان این دیدار، دو هیأت مذکور بر گسترش همکاری‌های دوجانبه تأکید کردند.

هیأت حزب دمکرات کردستان ایران با حزب کومله کردستان ایران دیدار کرد و در این دیدار، تغییر و تحولات اخیر منطقه و ایران مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، روز دوشنبه ۲۹ مهرماه ۱۳۹۲، هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی مصطفی هجری، دبیر کل حزب، از مقر دفتر سیاسی حزب کومله کردستان ایران دیدار و از سوی هیأتی از این حزب به سرپرستی عبدالله مهتدی، دبیر کل حزب کومله مورد استقبال قرار گرفتند.



برگزاری سمیناری در رابطه با توافقنامه‌ی همکاری میان حزب دمکرات و کومله

یک سال پس از امضای توافقنامه‌ی همکاری میان حزب دمکرات و حزب کومله‌ی کردستان ایران، سمیناری در رابطه با تأثیرات و جنبه‌های مختلف این توافقنامه برگزار شد.

به گزارش وبسایت خوندکار، این سمینار روز شنبه ۲۰ مهرماه ۱۳۹۲، از سوی دو سازمان اتحادیه‌ی دانشجویان دمکرات کردستان ایران و سازمان دانشجویان روزبه‌ها در اردوگاه کومله برگزار شد.

در بخش نخست این سمینار، محمدتقی قادری، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران با تشریح زمینه‌ها و تلاش‌های دو حزب در جهت اتحاد و ائتلاف میان نیروهای کردستانی در ایران، بر ابعاد و جنبه‌های مثبت امضای این توافقنامه و چشم‌انداز گسترش و فراگیر شدن آن میان سایر نیروهای کردستانی تأکید کرد.

سیس انور محمدی، عضو دفتر سیاسی حزب کومله‌ی کردستان ایران نیز ضمن برشمردن تأثیرات و جنبه‌های مثبت اتحاد و هم‌پیمانی دو حزب و نقش آن در پیشبرد مسأله‌ی ملی کرد، از وحدت در گفتن و عمل سیاسی دو حزب در تعامل با نیروهای اپوزیسیون ایرانی به عنوان یکی از مهمترین نتایج این توافقنامه یاد کرد.

در پانل دوم سمینار، بهزاد خوشحالی، نویسنده و روزنامه‌نگار به تشریح ضرورت

و ویژگی‌های یک توافقنامه و ارتباط آن با نظریه‌ی سیستماتیک پرداخت. "خوشحالی" امضای این توافقنامه را نشانه‌ی تعهد دو حزب و درک ضرورت تاریخی این اتحاد از سوی آنان دانست و بر لزوم فراگیر شدن این توافقنامه و افزایش ابعاد و جنبه‌های عملی آن تأکید نمود.

سیس رامبد لطفپوری، عضو کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران به بررسی مخالف‌ها و واکنش‌های احزاب و سازمان‌های مرکزگرای ایرانی به این توافقنامه پرداخت.

لطفپوری در این رابطه اظهار داشت، این واکنش‌ها حاکی از آن بود که شوونیسم مرکزگرای ایرانی در نفی هویت ملی و حقوق سیاسی ملت کرد و سایر ملت‌های تحت ستم هیچ فرقی با زمامداران جمهوری اسلامی ندارد. ایشان تأکید نمود که از این پس بایستی نمایندگان سیاسی ملت کرد در گفتگو و تعامل با چنین نیروهایی، فدرالیسم ملی جغرافیایی را کف مطالبات ملیت‌ها معرفی نمایند و پذیرش حقوق ملی و سیاسی خود از سوی این جریان‌ها را پیش شرط پیوستن داوطلبانه‌ی ملیت‌ها به اتحاد برای تشکیل ایران فدرال قرار دهند و هویت ایرانی را بازتعریف نمایند.

بخش پایانی این سمینار نیز به پرسش و پاسخ اختصاص داده شده بود.

زخمی شدن دو شهروند کرد بر اثر شلیک مستقیم نیروهای رژیم

"سرگر رازان - تورکان کانی" در منطقه‌ی مرزی میان ایران و ترکیه روی داده است. تا لحظه‌ی انتشار این خبر، هیچ اطلاعی از وضعیت جسمانی این دو شهروند در دست نمی‌باشد.

بر اساس آمار وبسایت کردستان میدیا، از اول مهرماه تا ۲۶ مهرماه سال جاری، ۱۷ شهروند کرد در مناطق کردنشین ایران در نتیجه‌ی شلیک نیروهای رژیم ایران کشته و یا زخمی شده‌اند.



کشته و زخمی شدن کولبران و شهروندان کرد توسط نیروهای رژیم

که بیکاری و گرانی در ایران بیداد می‌کند و به شیوه‌ای سرسام‌آور نرخ بیکاری و همچنین تورم در حال افزایش می‌باشد و به همین دلیل شهروندان کرد به منظور امرار معاش به کولبری و کار در مرزهای کردستان روی آورده‌اند.

نیروهای رژیم در هر کدام از شهرهای آشنویه و ارومیه یک شهروند را زخمی نموده و در شهر سردشت نیز باعث جان باختن یک شهروند و زخمی شدن یک تن دیگر شده‌اند.

بر اساس آمار کردستان میدیا، طی مهرماه سال جاری، ۱۵ شهروند کرد هدف شلیک مستقیم نیروهای رژیم ایران قرار گرفته‌اند که ۵ تن از آنان کشته و ۱۰ تن دیگر نیز زخمی شده‌اند.

بر اثر شلیک مستقیم نیروهای رژیم ایران، دو شهروند کرد اهل روستای "قصرکی" از توابع ارومیه به شدت زخمی شدند. به گزارش وبسایت کردستان میدیا، روز چهارشنبه ۲۴ مهرماه سال ۱۳۹۲، دو شهروند کرد اهل روستای "قصرکی" ارومیه به نام‌های "رحمان بشیری" فرزند احمد و "وحید پژویی" فرزند نعمان، از سوی نیروهای نظامی رژیم ایران هدف شلیک مستقیم قرار گرفته و به شدت زخمی شدند.

هدف گلوله قراردادن شهروندان کرد از سوی نیروهای رژیم ایران در منطقه‌ی

برگزاری سمینار "شرایط جوانان در جهان و تحقق صلح و آشتی" در ایرلند

تاریخ ملت کرد و کردستان، تقسیم کردستان به چهار بخش در میان کشورهای منطقه، مبارزه و بهای آزادی، آوارگی صدها هزار کرد در راستای رسیدن به حقوق خود و همچنین روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران و نقض حقوق بشر و اقلیت‌های ملی و مذهبی به‌ویژه مردم کردستان اشاره کرد. در این سمینار، حاضرین در رابطه با سخنان "احمدی" به بحث و بررسی پرداخته و پرسش‌های حاضرین از سوی وی پاسخ داده شدند. سازمان "فرویگا" یکی از سازمان‌های دولتی ایرلند می‌باشد که به پیشرفت جوانان در جامعه و رخدادهای تاریخی و سیاست‌های کشورهای جهان اهمیت بسیاری می‌دهد.

یکی از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران، به عنوان نماینده هر چهار بخش کردستان، در سمینار مهمترین سازمان دولتی ایرلند حضور یافت.

به گزارش کردستان میدیا، روز سیزدهم مهرماه ۱۳۹۲، سمیناری در رابطه با "شرایط جوانان در جهان و تحقق صلح و آشتی" از سوی سازمان "فرویگا" که یک سازمان ویژه‌ی جوانان می‌باشد، برگزار شد.

در این سمینار، "هاله احمدی" عضو حزب دمکرات بنا به دعوت رسمی سازمان "فرویگا" به عنوان تنها جوان کرد در این سمینار شرکت کرده و در خلال سمینار نیز سخنانی ایراد کرد. "احمدی" در سخنان خود در رابطه با

گزارش کردستان میدیا در رابطه با وضعیت کولبران و شهروندان کرد

از سوی سپاه پاسداران بازداشت شده‌اند، عبارتند از: کمال احمدی فرزند حسین، قاسم فاطمی فرزند محمد، کاوه مجیدی فرزند رحیم، نامق مجیدی فرزند مجید، رشید رحیمی فرزند محمدامین، محمود رستمی، آزاد رستمی، فرزاد رستمی، محمد امین غزالی فرزند شریف، کاوه حسینی فرزند صالح، علی کاکای فرزند حسین، نامق رحیمی فرزند محمد امین، شریف شریفی فرزند مصطفی، شاهو عزیزی فرزند ابراهیم، محسن کریمیان فرزند رشید، علی محمودی فرزند رحیم، سیروان مصطفی فرزند محمد، صالح رئوفی، احمد رستمی فرزند محمدخان، سهراب رستمی فرزند رستم‌خان.

بر اساس آمار وبسایت کردستان میدیا، طی سه هفته‌ی گذشته ۶۳ شهروند کرد به اتهام‌های (سیاسی، فرهنگی و مذهبی) بازداشت شده‌اند. با توجه به آمار ثبت‌شده، به طور میانگین در هر روز ۳ تن در کردستان ایران بازداشت شده‌اند.

طی هفته‌ی گذشته، ۲۸ مورد نقض حقوق بشر، اعم از بازداشت فعالان و کشته و زخمی شدن کولبران و شهروندان در مناطق کردنشین ایران رخ داده است. ۲۴ مورد بازداشت طی یک هفته بر اساس آمار وبسایت کردستان میدیا، از مجموع یکصد و ۷۹ بازداشت شده‌ی دو ماه گذشته (شهریورماه و مهرماه) ۳۰ درصد آنان در یک هفته‌ی گذشته بازداشت شده‌اند.

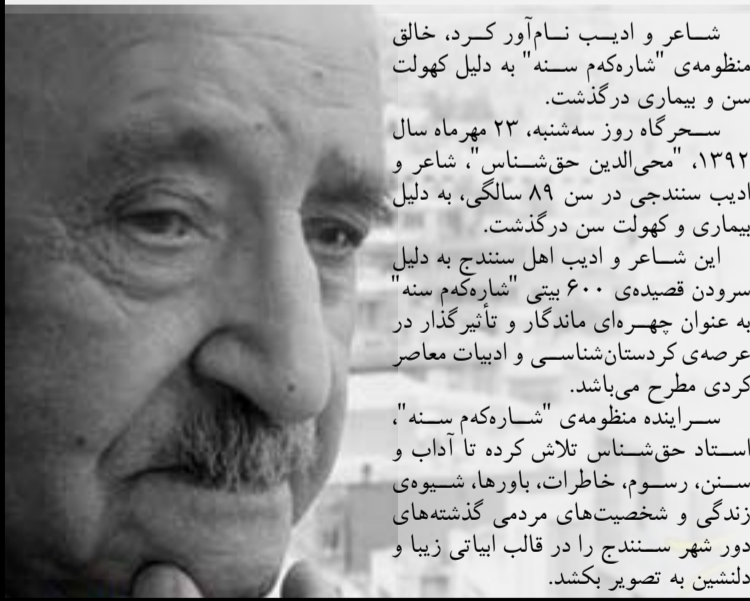
به دنبال کشته و زخمی شدن ۷ عضو سپاه پاسداران توسط فرد یا افراد مسلح ناشناس در منطقه‌ی بانه، سپاه پاسداران رژیم ایران ۲۴ شهروند کرد روستای "ساوان" از توابع شهرستان بانه را بازداشت کرده است که در میان آنها "یک عالم دینی، سه عضو شورای این روستا و همچنین ۲۰ جوان دیگر روستا) به چشم می‌خورند.

این بازداشت‌ها در بیستم مهرماه ۱۳۹۲ از سوی سپاه پاسداران رژیم ایران انجام شده است. نام بیست تن از این ۲۴ شهروند که

اخاذی عوامل رژیم از مردم بوکان

عوامل و افراد وابسته به رژیم ایران در منطقه‌ی "فرهادتاش" بوکان، اقدام به آزار و اذیت و همچنین اخاذی از مردم می‌کنند. به گزارش وبسایت کردستان میدیا، طی شب‌های شانزدهم و هفدهم مهرماه سال جاری، عوامل و افراد وابسته به رژیم به روستای "گانی قلعه" منطقه‌ی "فرهادتاش" بوکان رفته و برای بدنام و لکه‌دار کردن تاریخ مبارزات احزاب سیاسی کردستان، شبانه به منازل ساکنین رفته و به زور از آنان مبالغی پول اخذ کرده‌اند. بنا به گزارش رسیده، عوامل رژیم و به منظور بدنام کردن احزاب سیاسی کردستان به اجبار از هر خانواده حداقل ۱۰۰ هزار تومان گرفته‌اند. ساکنین این منطقه بر این باور هستند که این کار رژیم ایران، بسیار شرم‌آور بوده و یکی از اقدامات پلید رژیم علیه ملت کرد می‌باشد.

محی‌الدین حق‌شناس، شاعر و ادیب کرد درگذشت



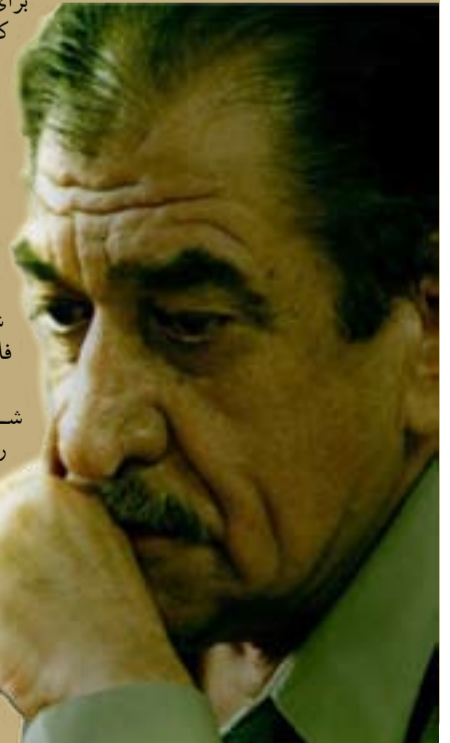
شاعر و ادیب نام‌آور کرد، خالق منظومه‌ی "شاره‌کم سنه" به دلیل کهولت سن و بیماری درگذشت. سحرگاه روز سه‌شنبه، ۲۳ مهرماه سال ۱۳۹۲، "محی‌الدین حق‌شناس"، شاعر و ادیب سنندجی در سن ۸۹ سالگی، به دلیل بیماری و کهولت سن درگذشت. این شاعر و ادیب اهل سنندج به دلیل سرودن قصیده‌ی ۶۰۰ بیتی "شاره‌کم سنه" به عنوان چهره‌ای ماندگار و تأثیرگذار در عرصه‌ی کردستان‌شناسی و ادبیات معاصر کردی مطرح می‌باشد. سراینده منظومه‌ی "شاره‌کم سنه"، استاد حق‌شناس تلاش کرده تا آداب و سنن، رسوم، خاطرات، باورها، شیوه‌ی زندگی و شخصیت‌های مردمی گذشته‌های دور شهر سنندج را در قالب ابیاتی زیبا و دلنشین به تصویر بکشد.

در اولین روز عید قربان، سنگ قبر شیرکو بیگس شکسته شد

سنگ قبر شیرکو بیگس شکسته شد

چند فرد ناشناس در اولین روز عید قربان به مزار شیرکو بیگس در پارک آزادی شهر سلیمانیه بورش بردند و بخشی از سنگ قبر وی را شکستند. سخنگوی پلیس سلیمانیه در یک کنفرانس مطبوعاتی عنوان کرد: "پس از شکستن سنگ قبر شاعر ملی کرد، شیرکو بیگس، پلیس به مکان دفن وی رفته و تحقیقات اولیه را برای یافتن عاملان این اقدام آغاز نموده که نتیجه‌ی این تحقیقات بعداً اعلام خواهد شد. تا لحظه‌ی انتشار این خبر، از هویت عاملان این اقدام و انگیزه‌ی آنان از شکستن سنگ قبر این شاعر نامدار کرد خبری در دست نیست. در روز سیزدهم مردادماه ۱۳۹۲، شیرکو بیگس، شاعر میهن پرست کرد به علت بیماری سرطان در بیمارستان شهر استکهلم پایتخت کشور سوئد دار فانی را وداع گفت.

ماموستا شیرکو بیگس یکی از شخصیت‌های نامدار کرد بود که روابط نزدیک و صمیمانه‌ای با حزب دمکرات کردستان ایران و به ویژه شخص دکتر قاسملو داشت و پس از شهادت دکتر قاسملو، ماموستا بیگس چندین قطعه شعر در مورد شخصیت این رهبر فرهیخته‌ی کرد سروده است.



کردستان مهمان جشنواره‌ی "تامی موریلوس" مکزیکی

همواره متحد و همصدا باشند. جشنواره‌ی "تامی موریلوس" مدت ۵ سال است که به صورت مستمر برگزار می‌شود و هر ساله کشورهای به صورت مهمان ویژه به این جشنواره دعوت می‌شوند تا فرهنگ خود را به ملت مکزیکی معرفی کنند. تاکنون کشورهای همچون ژاپن، پاراگوئه، شیلی و کلمبیا به عنوان مهمان در این جشنواره شرکت کرده‌اند و امسال نیز کردستان، فرهنگ خود را به مردم مکزیکی معرفی کرد.

کشور و رئیس نظارت بر جشنواره سخنانی ایراد نمودند. سپس "کاوه عمر" فعال فرهنگی از کردستان عراق به نمایندگی از جوانان کرد در مکزیکی، در رابطه با برگزاری این جشنواره به ایراد سخنانی پرداخت و ضمن آرزوی صلح و آرامش برای کردستان، از کشور مکزیکی درخواست کرد که حامی مسأله‌ی کرد در خاورمیانه باشند.

سپس "هانا جاف" رئیس مرکز جاف در رابطه با فرهنگ کرد، سخنانی را ایراد و اسراز امیدواری کرد که کردها در راه آزادی

در پنجمین جشنواره‌ی سالانه‌ی "تامی موریلوس" در کشور مکزیکی جهت معرفی فرهنگ و رسوم ملت کرد، کردستان به این جشنواره دعوت شده بود.

به گزارش وبسایت کردستان میدیا، روز ۲۴ مهرماه ۱۳۹۲، در شهر "کوئرفاکه" در ایالت "تامی موریلوس" در کشور مکزیکی، جشنواره "تامی موریلوس" با حضور هیاتی از کردستان برگزار گردید. در روز اول این جشنواره، معاون رئیس ایالت موریلوس و وزیر گردشگری، وزیر

آیا رژیم جمهوری اسلامی در مسیر تغییر گام بر می‌دارد؟



مصطفی هجری

پاسخ دقیق به این پرسش، کلید بازگشایی دیگر پرسش‌های بسیاری است که از به اصطلاح انتخابات اخیر ریاست جمهوری از خردادماه تاکنون در میان غربی‌ها و هموطنانمان مطرح است. سفر "روحانی" به نیویورک، سخنرانی ایشان در مجمع سازمان ملل متحد، مصاحبه‌های نامبرده در طی این سفر و در نهایت، گفتگوی تلفنی ایشان با "باراک اوباما" رئیس جمهوری آمریکا این سؤالات را جدی‌تر نموده و به طور گسترده‌ای در سطح بین‌المللی گسترش داده است. از تانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل گرفته تا کشورهای عرب منطقه و سران کشورهای غربی و به‌ویژه مردم زجرکشیده ایران، بی‌صبرانه در فکر یافتن پاسخ این سؤالات مهم هستند.

اما واقعیت مسأله چیست و چرا به ناگهان رژیم‌هایی که پرچمدار صدور انقلاب اسلامی بوده و در این راه هزینه‌های گزافی را از ثروت و سامان مردم ایران گرفته تا آبروی خود هزینه نموده است، اکنون به یکباره در صدد نمایش چهره جدیدی از خود برآمده است؟

برای یافتن پاسخ دقیق این سؤالات لازم است چند نکته را توضیح دهیم:

۱- بر کسی پوشیده نیست که برای سران جمهوری اسلامی از آغاز تاکنون حفظ و بقای رژیمشان مقدم بر همه چیز بوده است، خمینی، بنیانگذار رژیم بر این باور بود که به منظور حفظ نظام اگر لازم باشد، حکم تعطیلی احکام اسلامی را نیز صادر خواهد کرد، تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز از همین اندیشه نشأت گرفت، سپاهی که پاسدار انقلاب اسلامی است، نه پاسدار ایران و تاکنون به منظور پاسداری از رژیم و گسترش و صدور آن، چه جنایت‌ها که مرتکب نشده است. جمهوری اسلامی طی دهه‌های گذشته بارها ثابت کرده است که برای بقای خود دست به هر جنایتی می‌زند. در آغاز، خمینی که حکومت بعث عراق را تهدید می‌پنداشت، برای بقای رژیم خود می‌پنداشت، با تحریکات و دست‌اندازی‌های پراکنده، زمینه‌ی جنگی را فراهم ساخت که هشت سال به درازا کشید و در نهایت وقتی وی را متوجه نمودند که ادامه‌ی بیشتر جنگ باعث فروپاشی رژیم می‌شود، بعد از آن همه ویرانی و قربانی، در سال ۱۹۸۸ قطعنامه‌ی ۵۹۸ سازمان ملل متحد را ذیلانه پذیرفت و جام زهر شکست را سر کشید.

اکنون این سناریو به شکل دیگری در حال تکرار است، اعمال محاصره‌های جهانی در رابطه با پروژۀ مشکوک اتمی ایران و تشدید مرتب این محاصره‌ها در ابتدا با شاخ و شانه کشیدن‌های رژیم و شعارهای یوپولستی به آن عکس‌العمل نشان داده شد. سران رژیم بیانیه‌ها و تصمیمات غرب در این مورد را به مثابه فرصت‌های مغتنمی به خورد مردم می‌دادند که باید از آنها استفاده کرد و به خودکفایی رسید و یا آنها را کاغذپاره‌ای بی‌ارزش قلمداد می‌کردند که نمی‌توانند هیچ تأثیری بر اقتصاد ایران داشته باشد، ولی بعد از گذشت سال‌ها معلوم شد که شعارهای سران رژیم خزانه خالی را بر نکرد و فکگر به ته دیگ خورده است و اگر رژیم کوتاه

نیاید، لایحه‌ی تحریم صدور یک میلیون بشکه نفت صادراتی باقیمانده‌ی ایران از سوی آمریکا، آخرین رمق‌های اقتصاد در هم شکسته و ویران رژیم را خواهد گرفت، در این صورت، نه تنها ایران توانایی تأمین هزینه‌ی ادامه‌ی جنگ حکومت بشار اسد علیه مردم این کشور، حزب‌الله و سایر گروه‌های تروریستی در منطقه و اقصی نقاط جهان را نخواهد داشت، بلکه در داخل

در آن صورت است که کسی یارای تعرض و تجاوز به این رژیم را نخواهد داشت و جهان به ویژه کشورهای مسلمان منطقه در برابر ایران سر تسلیم فرود خواهند آورد. این که بود برنامه‌ی غنی‌سازی علیرغم اعتراض عمومی و شتیدن صدای این اعتراضات جدی ادامه یافت و حال گویا رژیم متوجه شده است که نه تنها به سلاح مورد نظر خود دسترسی پیدا نکرده است

چنین می‌نماید "رژیم زبونانه در برابر خواست‌های غرب و جامعه‌ی بین‌المللی سر فرود آورد و آن را فتح بزرگ رهبر نامید" همچنان که بعد از شکست ایران در برابر حکومت عراق و تاکنون خود را فاتح می‌پندارد" نباید تعجب کرد.

البته لازم به یاد آوری است که به تحقق رسیدن این سناریو با وجود مخالفان و مشکلات عدیده‌ای که در داخل ایران و



همچنین آمریکا بر سر راه آن وجود دارد، برنامه‌های زامنر و دشوار خواهد بود، ولی با این همه دور از نظر نیست.

اما از این همه سروصدای بسیار، نصیب مردم ایران چه خواهد بود؟

برای پاسخ به این سؤال نیز باز بر می‌گردیم به اصل حفظ نظام. همچنان که اشاره شد، لغو محاصره‌ی اقتصادی توسط غرب، موجب خواهد شد که برای مدت زمان دیگری عمر رژیم تداوم یابد و از نظر گشایش وضع اقتصادی، درجه‌ی کوچکی نیز به روی مردم باز شود، ولی اگر تصور شود که رژیم با مردم ایران نیز از در آشتی در خواهد آمد و در نتیجه، فضای امنیتی ایران باز خواهد شد و آزادی‌هایی را که رژیم از آغاز بر سر کار آمدنش از مردم به ویژه آزادیخواهان غصب نموده بود به آنها باز خواهد گرداند، اشتباه بزرگی است، بجز در مواردی بسیار جزئی و کم‌اهمیت که آن هم نقش سویاپ دیگ زودپز را جهت جلوگیری از انفجار بازی خواهد کرد. زیرا آزادی مردم عامل سرنگونی رژیم خواهد شد، نه حفظ و نگهداری آن. مردم ایران در طول دهه‌های گذشته آنچنان نفرتی از رژیم به دل گرفته‌اند که به محض اینکه سنگینی سرنیزه‌ی سرکوب فرصت نفس کشیدنی به آنها بدهد، متحد و یکپارچه علیه آن قیام خواهند کرد و بساط فرسوده‌ی آنرا در هم خواهند پیچید، همچنان که طی ۳۷ سال گذشته هرگاه به دلایلی این فرصت برای مردم فراهم آمده، وارد عمل شده و پایه‌های رژیم را لرزاندند و رژیم نیز به خوبی از این واقعیت آگاه است. علاوه بر جمهوری اسلامی، تاریخ دهه‌های گذشته در کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه و آفریقا نیز این واقعیت را ثابت کرده است که تکیه‌گاه رژیم‌های توتالیتر و وابستگی که در میان جامعه‌ی خود جای پای ندارند، تنها نیروهای سرکوبگرشان است. این نوع رژیم‌ها همیشه از مردم خود در هراسند

تا به کمک آن رژیم امام زمان را از شر دشمنان حفظ نماید، بلکه ادامه‌ی برنامه‌ی غنی‌سازی و عواقب ناگوار آن، خود دارد به عامل فروپاشی رژیم تبدیل می‌شود و چون اصل بر حفظ رژیم به هر قیمتی است، پس باید تسلیم خواست‌های غرب شد و در ادامه دادن به پروژۀ اتمی تجدیدنظر کرد تا رژیم پایدار بماند. نتیجه این می‌شود که بعد از سال‌ها شعار دادن علیه غرب و صرف هزینه‌های کلان از بیت‌المال کشور و به فقر و فلاکت کشاندن مردم این سرزمین منظور دستیابی به سلاح اتمی، در یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای سخن از واقعیت هولوکاست، دوستی با مردم اسرائیل و مکالمه‌ی تلفنی ۱۵ دقیقه‌ای روحانی با اوباما، رئیس‌جمهور شیطان بزرگ به میان می‌آید و رسانه‌های رژیم درصددند این چرخش را به قیمت فتح‌الفتوح رژیم (نرمش قهرمانانه) به مردم بفروشند، در حالی که "نرمش قهرمانانه" رهبر جام زهر دیگری است که ذیلانه باید بنوشد تا رژیم را از خطر سقوط نجات دهد و برای مدتی دیگر همچون اختاپوسی بر گرده‌ی مردم فلاکت‌زده‌ی ایران سوار شود.

جای تردیدی نیست که جناب رهبر و پیامبرش "روحانی" در این مقطع زمانی برای پیشبرد برنامه‌هایشان تا جایی که میدان داشته باشند، مانور خواهند داد، دروغ خواهند گفت و فریبکاری خواهند کرد تا بلکه به نحوی غرب را راضی کنند که مقداری از محاصره‌های اقتصادی را کاهش دهند، بدون آنکه به خواست‌های آنها گرد نهند، ولی آنچنان که پیداست، غرب به ویژه آمریکا ترندهای رژیم را به خوبی شناخته است و تحت تأثیر لیخندها و شعارهای آن قرار نخواهد گرفت و همچنان که بارها اعلام کرده‌اند، آنان منتظر اقدامات عملی رژیم در راستای پذیرفتن خواست‌هایشان می‌باشند. پس اگر در صورت جدی بودن غرب در ادامه‌ی تحریم‌ها "که ظاهراً

و به حق این نگرانی را دارند که مردم به محض دسترسی به آزادی، وجود ننگین آنها را از روی زمین پاک خواهند کرد. اینچنین است که این رژیم‌ها تا لحظات آخر به زور سرنیزه حکومت می‌کنند و مجالی برای آزادی مردم فراهم نمی‌کنند، این تجربه را ما از رژیم‌های پادشاهی ایران، عراق صدام حسین و کشورهایی که اخیراً انقلاب‌های موسوم به "بهار عربی" حکومت‌های آنان را سرنگون کرد، مشاهده نموده‌ایم. رژیم جمهوری اسلامی نیز این واقعیت‌ها را مشاهده نموده و از آنها درس گرفته است، تا جایی که این رژیم نه تنها آزادی را از مردم ایران دریغ می‌دارد، بلکه با وجود فلاکت‌بار بودن وضع اقتصادی و سیاسی‌اش، هزینه‌ی پیشبرد جنگ بشار اسد با مردمش را نیز تقبل کرده است که مبدا با سقوط رژیم سوریه، مردم این کشور به آزادی برسند، آزادی جدی‌ترین آفت و دشمن این‌گونه رژیم‌هاست، به همین جهت تا لحظه‌ی آخر با آن در ستیز خواهند بود.

مردم ایران در طول

دهه‌های گذشته آنچنان نفرتی

از رژیم به دل گرفته‌اند

که به محض اینکه سنگینی

سرنیزه‌ی سرکوب فرصت

نفس کشیدنی به آنها بدهد،

متحد و یکپارچه علیه آن

قیام خواهند کرد

نتیجه‌گیری:

سر فرود آوردن رژیم جمهوری اسلامی در برابر خواست‌های غرب از روی ضعف و ناچاری، در این برهه که احتمال فروپاشی رژیم به دلیل تشدید محاصره‌ی اقتصادی به نقطه‌ی حساسی رسیده است، چیزی نیست که دور از انتظار باشد، ولی به دلایلی که ذکر آن رفت، نباید انتظار داشت که رژیم در برابر خواست مردم ایران نیز که رسیدن به آزادی است، سر فرود آورد، بلکه چه بسا با دادن امتیاز به غرب بر شدت سرکوب و خفقان در داخل بیافزاید و در این حالت است که مردم برای رهایی خود از جنگال استبداد، راهی جز اتحاد و مقاومت در برابر رژیم نخواهند یافت.

در این مرحله هرگونه توهم پراکنی در رابطه با اصلاح‌پذیری رژیم، دلخوش کردن به لبخندها و وعده‌های دروغین مهره‌های ریز و درشت آن در راستای تحکیم پایه‌های استبداد می‌باشد، مردم به جان آمده‌ی ایران برای رسیدن به آزادی هیچ راه دیگری بجز سرنگونی این رژیم ندارند و در این راه لازم است بدون هیچ گونه تردیدی گام بردارند و صد البته پذیرای پرداخت هزینه‌های آن هم باشند و بدین ترتیب، پیروز نهایی مردم خواهند بود، نه رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی.

تحلیل رفتن

ترجمه: رضا فتح‌الله‌نژاد

سایت "سیاست خارجی" مقاله‌ای به قلم آرون دیوید میلر تحت عنوان "تحلیل رفتن" منتشر نموده است که موضوع اصلی آن در لید مقاله این گونه منعکس شده است: "چرا خاورمیانه برای ایالات متحده آمریکا از اهمیت کمتر و کمتری برخوردار است". مقاله با این سؤال آغاز شده است: "آیا خاورمیانه واقعا دیگر اهمیت ندارد؟" و در ادامه نگارنده می‌نویسد: "شوخی می‌کنم. البته که خاورمیانه اهمیت دارد. فقط به عنوان اخبار نگاه کنید: روزی بدون خبری از بحران سوریه، عراق یا مصر یا اظهارنظری توسط یک سیاستمدار اسرائیلی یا آخوندی ایرانی که پیش‌بینی جنگ یا صلح را به همراه داشته باشد، سپری نمی‌شود. این هفته، رهبران جهان در ژنو برای بحث بر سر توانایی هسته‌ای ایران گردهم آمدند. ماه گذشته، باراک اوباما در مجمع عمومی سازمان ملل متحد سخنانی ایراد کرد که کاملاً به خاورمیانه اختصاص داده بود. همچنین، ذخایر نفتی، کانال نمادین سوئز و نیز تنگه باریک هرمز مطرح هستند. داستان دور و دراز جنگ بی پایان اعراب - اسرائیل و نیز ۱۱ سپتامبر در میان هستند." نویسنده در بخش دیگری می‌نویسد: "اما با وجود همه این‌ها هم، خاورمیانه به اندازه گذشته اهمیت ندارد. عوامل سنتی جهت درگیر شدن آمریکا در منطقه تغییر کرده‌اند."

نویسنده شش عامل اصلی را مطرح می‌کند که از دیدگاه وی موجب شده‌اند خاورمیانه برای آمریکا از اهمیت کمتری برخوردار باشد. ایشان همه عوامل را به طور مفصل تشریح می‌کنند که در اینجا تنها امکان اشاره بدان‌ها هست. ۱: پایان جنگ سرد و نقش بیشتر یاری‌دهنده تا ستیزه‌جویانه روسیه در برابر آمریکا در منطقه و ضعیف شدن نیروهای تندرو اسلامگرای منطقه و درگیر شدن آنان در مشکلات داخلی و منطقه‌ای، ۲: آمریکایی‌ها دیگر خواستار نقش فیصله‌بخش مسائل این منطقه برای کشورشان نیستند و از بکارگیری نیروی نظامی حمایت نمی‌کنند، ۳: آمریکا نه تنها امروزه کمتر به نفت منطقه وابسته است، بلکه پیش‌بینی می‌شود در ۲۰۲۰ به بزرگترین تولیدکننده نفت و گاز طبیعی در جهان تبدیل شود، ۴: متحدین عرب آمریکا تغییر کرده‌اند و حتی آینده روابط آمریکا با عربستان و اردن نیز همچون گذشته نخواهد بود، ۵: اسرائیل امروز قدرتمندتر و مستقل‌تر از قبل است و ۶: توافق آمریکا و روسیه بر سر مسأله اسرائیل و فلسطین و برنامه هسته‌ای ایران در افق پدیدار است و این به سود هر دو ابرقدرت خواهد بود.

نگارنده در پایان می‌نویسد: "خاورمیانه برای آمریکا خوب نبوده است. ما هم برای خاورمیانه خوب نبوده‌ایم. هرچه زودتر بتوان در این زمینه‌ی ناخوشایند کمتر ظاهر شد، بهتر است. هیچ چیزی بیش از این مایه خوشوقتی‌ام نخواهد شد."

منبع:

مرکزگرایند. کردها و دیگر ملت‌های ساکن در ارومیه و به ویژه آذری‌ها سالیانی است که در این شهر با هم زیسته‌اند و کردها در هیبت کنشگر به حقوق آنان تعدی نکرده‌اند، ولی شب‌نامه‌نویسان چرا ارومیه را مصداق قره‌باغ و کرکوک می‌دانند، واضح است و می‌شود این سؤال را از دو منظر پاسخ داد. نخست اینکه این نوع نگرش همان سیاست کهنه‌ی "تفرقه بیانداز و حکومت کن" می‌باشد که گفتمان مرکزگرا سال‌هاست از آن منتفع می‌شود و یا اینکه نگارندگان این شب‌نامه خود را خوب شناخته و به بهترین شیوه فاشیسم نهادینه شده در ذهن خویش را به تصویر کشیده‌اند که چنین نگرشی در دنیای امروز نه مقبول است و نه ساکنان ارومیه چه کرد و غیر کرد به آن تن در خواهند داد.

قرارداد منعقد مابین جمهوری کردستان و حکومت ملی آذربایجان در سال ۱۳۲۵، پارادایمی است برای درکنار هم زیستن کردها و آذری‌ها در ارومیه و دیگر شهرهای کردستان که غیر از کردها مردمانی دیگر نیز در آن می‌زیستند. در غیر این صورت، طرح هرگونه ادعای تمامیت‌خواهانه تنها می‌تواند وهمی باشد که ذهن خالق آن را در عالم رؤیا تسلی بخشد.

برداشتن هر گامی در راستای تحقق حقوق ملت‌های تحت ستم در ایران و دموکراتیزه نمودن حکومت بدون شک مستلزم تعامل و تساهل و به رسمیت شناختن دیگری است، در غیر این صورت، هیچ ادعایی قادر نخواهد بود که به مطالبه‌ای مشروع بدل گردد و به نتیجه‌ای مثبت بیانجامد. صلح مثبت برای ملت‌های ساکن در ایران ارتباطی دوسویه با تحمل همدیگر دارد و این تحمل نمی‌تواند با نادیده گرفتن حقوق ابتدایی طرف مقابل تحقق یابد. بر این مینا چنین رفتار و مواضعی تنها می‌تواند آب را به آسیاب حکومت مرکزی بریزد و بر عمر حاکمیت گفتمان مرکزگرا بیافزاید.



ارومیه

و گرایش‌های شوونیستی برخی از افراد

کیهان یوسفی

این شهر از دیرباز محل زیست کردها بوده است، کردهایی که قدمت حضور آنها در مناطق مزوپتامیا و فلات ایران به هزاران سال قبل برمی‌گردد و به نوعی می‌توان ادعا کرد که بومی‌ترین مردمان این دیار بدون شک کردها می‌باشند.

مردمانی از جنس کوه که ورزش طوفان‌های ژینوساید و امواج خون نتوانسته است آنان را از بین ببرد. تاریخ و صفحات واقعی‌اش گواهی‌دهنده‌ی این واقعیتند که کردها نه مردمانی جنگ طلب و نه ملتی مهاجم بوده‌اند، ولی در همان حال در دفاع از سرزمین و کرامت انسانی خویش، جنگاورانی به نام و در دفاع از کبان خویش شهری روزگاران بوده و مردم خونشان را نثار ماندگاری ملت و سرزمین خویش کرده‌اند.

در روزهای اخیر شاهد تهاجماتی علیه کردهای ارومیه بودیم. این بار نه از سوی شوینیسم مرکزگرا، بلکه فرزند ناخلف این

گاهی باید شرایطی بوجود آید تا هویت واقعی بعضی از اشخاص یا جریان‌ها مشخص شود یا به سخنی دیگر، چهره‌ی واقعی خود را رو کنند. شرایطی که سبب می‌گردد تا آنان با حقایق روبرو گردند و لرزش پایه‌های کاخ توهمات خودساخته را ببینند.

چنین است که آنان ماهیت واقعی خویش را رو می‌کنند و باز به یادمان می‌اندازند که گرگ‌زاده را چاره‌ی جز گرگ شدن نیست.

ارومیه به عنوان یکی از شهرهای کردستان از دیرباز محل همزیستی مردمان گوناگون با ادیان مختلف بوده است. در کنار کردهای این شهر، آذری‌ها، آسوریان، ارمنه، یهودیان و بیروان اهل حق و ... با هم زیسته‌اند. بر کسی پوشیده نیست که

ایران و سوریه و کنفرانس ژنو ۲

ترجمه: معتمد نورانی

این مهم‌تر سپاه به سوریه، لبنان و عراق به چشم مستعمرات ایران نگاه می‌کند. به تمام معنا در این کشور رخنه کرده است و در امور داخلی آنها دخالت می‌کند. در این مورد، ایران در منطقه دارای برگ‌هایی است که برضد آمریکا و اسرائیل از آنها استفاده می‌کند.

به ویژه اینکه رهبر ایران بعد از تماس تلفنی روحانی و اوباما سکوت خود را شکست و در این مورد ابراز ناراضی کرد و نشان داد که در سیاست ایران حرف نهایی با اوست. روحانی هم در مورد سیاست خارجی مخصوصاً در مورد سوریه همان مطالبی را عنوان می‌کند که از ابتدا در ایران روال بوده است. وی تابحال در این مورد چیز تازه‌ای به میان نیاورده است.

از طرفی دیگر، به سختی می‌توان باور کرد که روحانی بتواند تغییری در سیاست‌های خارجی ایران ایجاد کند. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا روحانی در اساس به تغییرات باور دارد یا تنها شعار است؟ تغییر در سیاست‌های خارجی ایران در مورد برخورد با سوریه، عراق، لبنان، یمن و کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس به این سادگی‌ها نیست. زیرا

جمهوری اسلامی ایران حدود ۳۵ سال است که بر این سیاست‌ها سرمایه‌گذاری کرده است و از طریق حزب‌الله لبنان در امور سوریه دخالت می‌کند. به کشتار مردم بی‌گناه و مظلوم این دیار ادامه می‌دهد. اپوزیسیون سوریه، جمهوری اسلامی ایران را جزو لاینفک رژیم بشار اسد حساب می‌کند که در جنگ داخلی سوریه سهم بسزایی دارد. ایران به شیوه‌ی فعال در تعمیق و گسترش شکاف مذهبی بین شیعه

روابط ایران و سوریه به دوران قبل از جنگ ایران و عراق برمی‌گردد. مخصوصاً در اوج این جنگ همکاری‌های بین این دو کشور مثل هم‌پیمانی‌های استراتژیک ادامه پیدا کرد. رفته رفته این روابط در طی سال‌های به منتهی درجه‌ی خود رسید. شکل‌گیری جبهه‌ی مقاومت از طرف جمهوری اسلامی ایران، سوریه و حزب‌الله لبنان و حمایت مستقیم ایران از رژیم سوریه و حزب‌الله بخشی از استراتژی است که ایران برای تداوم و تقویت سلطه‌ی خود، بر ضد آمریکا و کشورهای عربی و اسرائیل از آن بهره برده است. بعد از خیزش بهار عربی و جنگ داخلی سوریه، جمهوری اسلامی آشکارا موضع قاطعانه‌ی خود را مشخص کرده است و از رژیم بشار اسد دفاع می‌کند و مخالفان رژیم سوریه را تروریست قلمداد می‌کند و از طریق حزب‌الله لبنان، سلاح برای رژیم می‌فرستد.

بسیاری از ناظران سیاسی بر این باورند که روحانی می‌تواند هم در سیاست خارجی و هم در داخل ایران تأثیرگذار باشد. در واقع، آقای روحانی با دو چالش اساسی روبروست: اول سلطه‌ی مطلقه‌ی سید علی خامنه‌ای، دوم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. دشوار است که روحانی بتواند بین خواسته‌های مردم ایران و رهبر و سپاه توازن برقرار نماید و امور مملکت را پیش ببرد. زیرا سپاه پاسداران، دولتی در داخل دولت ایران تشکیل داده است، این دولت سازمان‌های ویژه‌ی خود را دارد و بر شاه‌رگ اقتصاد ایران مسلط است. از



یابد که مفاد کنفرانس ژنو ۱ را که در سی‌ام ژوئن ۲۰۱۲ برگزار شد، قبول نماید. در بیانیه‌ی ژنو ۱ نقشه‌ی راه دیپلماتیکی برای حل بحران سوریه ترسیم شده و قرار است یک دولت انتقالی بدون حضور بشار اسد تشکیل شود. این در حالیست که ایران هیچ دولتی را بدون حضور بشار اسد نمی‌پذیرد. در صورتی که خانم ماری هارف، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا می‌گوید ایران به شرط این که بیانیه‌ی ژنو ۱ را قبول کند، می‌تواند شرکت کند. از طرفی دیگر، در کنفرانس ژنو ۲ قرار است که کردها شرکت کنند و در این کنفرانس باید حقوق کردهای سوریه که بیش از ۱۰ درصد جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند، مشخص شود، زیرا بدون تأمین حقوق کردها آرامش واقعی برقرار نمی‌گردد و حکومت آتی دمکراتیک نخواهد بود.

منبع:

و سنی در تمام منطقه می‌کوشد. برای فروپاشی نظام‌های حاکم در منطقه به طور مستمر برنامه‌ریزی می‌کند و این سیاست دقیقاً به نفع اسرائیل است. جنگ داخلی سوریه به مرحله‌ی خطرناک رسیده است. مقامات جمهوری اسلامی بر این باورند که تنها ایران می‌تواند به این جنگ خانمانسوز و ویرانگر خاتمه دهد. قرار است طی ۲ الی ۳ هفته‌ی آینده کنفرانس ژنو ۲ برگزار شود، ایران می‌گوید: "این کنفرانس بدون حضور ایران شکست می‌خورد. جمهوری اسلامی ایران که یکی از کشورهای مهم منطقه است، نقش اساسی خواهد داشت، تنها ایران می‌تواند به خشونت و کشتار و خونریزی خاتمه دهد. مشکلات سوریه بدون دخالت ایران و بدون همکاری و حمایت ایران حل و فصل نخواهد شد."

مقامات ایران می‌گویند که حضور ایران در کنفرانس ژنو ۲ ضروریست اما آمریکا می‌گوید که ایران به شرطی می‌تواند حضور

آنچه هر ایرانی باید در مورد کردستان بداند

ناصر ایرانپور

آنچه کردستان می‌گوید، به تلخیص و به زبانی ساده

افراد و نیروهای
که به دموکراسی
اعتقاد راسخ با تمام تبعات
آن دارند و در پرتو
دموکراسی مورد نظر آنها
وجه درونی حق تعیین
سرنوشت تحقق‌یافتنی باشد،
نباید نگرانی‌ای از جدایی
کردستان (و آذربایجان،
بلوچستان، ترکمن صحرا
و خوزستان) از ایران
داشته باشند

و خلق‌ها در پروسه‌ی تصمیم‌گیری و مدیریت - همانطور که گذشته نشان داده - بدون دشواری و تبعیض و تنش ممکن نیست و از این گذشته غیردموکراتیک نیز است. پرهیز از مدیریت و کنترل سیاسی از راه دور، تأمین شفافیت در پروسه‌ی تصمیم‌گیری‌های کلان و مربوط به مناطق دوردست، ارتقاء کارایی و کارکرد دستگاه اداری خود دلایل دیگری هستند که به تنهایی امر ضرورت استقرار حکومت‌های منطقه‌ای در بطن یک نظام فدرال سراسری را ایجاب می‌کنند. (سه) علاوه بر فاکتورهای فوق نباید از نظر دور داشت که اعمال شویونیسم و ستم ملی و جمعی به درجات متفاوت بر مناطق معینی از ایران به هر حال باعث شکل‌گیری یک نوع خودآگاهی منطقه‌ای در میان مردم این مناطق و طرح مطالبات معینی حول دستیابی به حق تعیین سرنوشت خود در منطقه‌ی خود و مشارکت در حاکمیت کشور خود، آن هم نه صرفاً بعنوان شهروندان ایرانی، بلکه همچنین بصورت جمعی و در شمایل نمایندگی مناطق یا ایالت‌های ایران - مثلاً توسط یک مجلس سنا - شده است. بی‌توجهی به این خودآگاهی و اراده تنها می‌تواند نتیجه‌ی معکوس برای حفظ وحدت و یکپارچگی ایران داشته باشد. و اما توجه به آن پیامدی چون استقرار یک نظام دموکراتیک نمی‌تواند داشته باشد. بر همین مبنا هم نخبگان کرد نه تنها برای استقرار دموکراسی مبارزه می‌کنند، بلکه نوع معینی از آن - یعنی دموکراسی فدراتیو - را پیشنهاد می‌کنند. کوتاه سخن: تأکید بر دموکراسی بدون فدرالیسم جاذبه‌ای در نخبگان این مناطق ایجاد نمی‌کند. به عبارتی دیگر از نظر آنها با توجه به دلایل برشمردی فوق تنها آلترناتیو دموکراتیک برای ایران فدرالیسم است.



سرنوشت" خلاصه نمود. این حق دو وجه درونی و بیرونی دارد، بدین معنا که هم می‌تواند به مفهوم کسب حق حاکمیت ملی - جغرافیایی در داخل کشور ایران باشد و هم به مفهوم تلاش برای کسب استقلال خارج از ایران. مد نظر احزاب مطرح کردستان اما وجه درونی و ایرانی این حق است، هر چند که تلاش برای تحقق وجه دوم و برونی آن برای زمانی که وجه درونی آن تحقق‌یافتنی تلقی شود، منتفی نمی‌گردد. لذا افراد و نیروهایی که به دموکراسی اعتقاد راسخ با تمام تبعات آن دارند و در پرتو دموکراسی مورد نظر آنها وجه درونی حق تعیین سرنوشت تحقق‌یافتنی باشد، نباید نگرانی‌ای از جدایی کردستان (و آذربایجان، بلوچستان، ترکمن صحرا و خوزستان) از ایران داشته باشند. نگرانی واقعی را نیروهایی باید داشته باشند که به سرکوب روی می‌آورند و یا باوری به تحقق وجه درونی حق تعیین سرنوشت در ایران در پرتو یک نظام دموکراتیک فدرال ندارند. میل باطنی و مدون و بارها مورد تأکید قرار گرفته‌ی نخبگان کرد نه معطوف به استقلال کردستان و ایجاد مرزهای جغرافیایی جدید، که به محور مرزهای حقوقی موجود بین کردستان و ایران و استقرار یک نظام فدرال و دموکراتیک و سکولار در ایران است.

۴) به این دلیل، نوع فدراتیو نظام دموکراتیک مورد تأکید احزاب کردستان است که آنها بر این باورند که یک نظام حتی دموکراتیک اکثریت‌گرا و مرکزگرای صرفاً مبتنی بر حقوق شهروندی مشکلات عدیده‌ای را که به‌ویژه به سبب تمرکز و تراکم شدید قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی موجود در ایران به وجود آمده، حل نمی‌کند، آن هم از جمله به دلایل ذیل: یک) بر اهل نظر و خرد محرز است که دموکراسی اکثریت‌گرا و مرکزگرا - مثلاً در شمایل نظام تک‌سطحی و تک‌پارلمانی و ریاست جمهوری و نه [چند] پارلمانی و چندسطحی - آن هم در یک کشور چنداتنیکی مکانیسم مناسبی برای پاسخ به مطالبات و نیازهای "اقلیت‌ها" نیست (اینجا "اقلیت" نه در بُعد عددی، که در بُعد حقوقی آن مد نظر است، چون در بعد عددی همه‌ی ملیت‌های ایران در مقیاس سراسری در اقلیت و اما در مناطق مسکونی خود در اکثریت می‌باشند). بشریت تریخ‌خواه می‌گوید که فائق آمدن بر نابرابری‌های طبقاتی، ملی، قومی، جنسی، ... مکانیسم‌ها، ساختارها و ابزارهای قانونی متفاوت و متعددی می‌طلبد.

برای پاسخ به ملزومات دموکراسی واقعی در چنین کشوری، برای جذب "اقلیت‌ها" به جامعه‌ی "اکثریت" [صاحبان قدرت] و ایجاد انگیزه و دل‌بستگی و همبستگی در میان آنها باید ضمن اعطای خودمختاری منطقه‌ای، آنها را در سیاست‌گذاری کلان کشور حتی بیشتر از نسبت جمعیتی آنها مشارکت داد. هرگونه اعمال اراده‌ی "اکثریت" بر آنها حتی اگر صورتی ظاهراً دموکراتیک نیز داشته باشد، نه تنها در نفس خود غیرعادلانه و غیردموکراتیک است، بلکه شکاف‌های موجود را نیز بیشتر می‌کند و در آنها نمی‌تواند مانع از اتخاذ استراتژی کسب استقلال دولتی توسط این "اقلیت‌ها" گردد. (دو) ایران همچون کشوری بالنسبه پهناور از سرزمین‌ها و فرهنگ‌ها و مردمان به لحاظ اتنیکی متفاوتی تشکیل شده است. اداره‌ی کل این مناطق از یک مرکز تصمیم‌گیرنده‌ی دوردست و نشیمنگاه یک خلق، بدون مشارکت این مناطق



است. این جنبش اکنون احزاب متفاوتی را دربرمی‌گیرد. استراتژی عمده و راستای اصلی این احزاب غلبه بر وضع موجود از راه استقرار دموکراسی فدراتیو و سکولار در ایران می‌باشد. این نوع از حاکمیت یک) علاوه بر تأمین حقوق شهروندی و استقرار دموکراسی در ایران (دو) نقطه‌ی پایانی بر تراکم و تمرکز سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی ایران که در پرتو آن استبداد کنونی و پیشین ایران شکل گرفته و سازوکارهای لازم را برای اعمال تبعیضات بر مناطق غیرمرکزی ایران فراهم نموده، می‌گذارد و سه) آنها را در حاکمیت مناطق خود و چهار) کل کشور سهیم می‌سازد و پنج) به حاکمیت دینی در ایران که منشاء بخش قابل توجهی از تبعیضات بر پیروان ادیان و مذاهب دیگر و مکاتب غیردینی و صد البته زنان می‌باشد، پایان می‌دهد. کوتاه سخن: این نوع از دموکراسی همزمان سه وجه شهروندی [فراقومی، فراجنسیتی]، فرماندهی [تمرکززدا] و فرافلسفی دارد.

۳) مطالبات این جنبش را - که خود را به دلایل عدیده نه "قومی"، که "ملی" و مردم کردستان را نه "قوم"، که "ملت" می‌داند، می‌توان در اصل "حق تعیین

کمیت و کیفیت و علت و انگیزه‌ی

ستم بر کردستان متفاوت
از ستم بر مناطق مرکزی
ایران است. در یک کلام:
رژیم‌های حاکم بر ایران
با کردستان با اعمال
ستمی ملی‌ای که بر آن
رواداشته‌اند، چون یک
سرزمین مستعمره
تعامل نموده‌اند

و توسط واعظان مذهبی شیعه، تحریک بخش‌های ناآگاه جامعه علیه این مردم به دلایل مذهبی بدون پیامد جزایی برای تحریک‌کنندگان و توهین‌کنندگان (مانند مورد حجت‌الاسلام دانشمند که بر منبر می‌رود و مردم سنی و به‌ویژه بلوچستان را مورد شدیدترین اهانت‌ها قرار می‌دهد، بدون اینکه این امر کوچکترین پیامدی برای وی داشته باشد، تازه ایشان عضو 'بیت رهبری' خامنه‌ای نیز است) و به دلایل ناسیونالیستی... (مانند آنچه از بخشی از ابوزیسیون چندین بار علیه دو حزب کردستان رؤیت شده) و ده) خصومت نهان و آشکار دولت‌های حاکم بر ایران با جنبش ملی کرد همچنین در بخش‌های دیگر کردستان و همکاری با دولت‌های مربوطه برای سرکوب جنبش‌های آن کشورها (مانند آنچه در اواسط دهه‌ی هفتاد میلادی سده‌ی پیش در ارتباط با جنبش کردستان عراق اتفاق افتاد و در سال‌های بیشتر علیه جنبش کردستان ترکیه چندین بار صورت گرفته است). این رویکرد حکایت از یک سیاست عمومی تر و نهادینه‌ی کردستیزی در فرهنگ سیاسی حاکمان ایران دارد. کوتاه سخن: آن تضییقات و تضییعاتی که متوجه مردم و به‌ویژه اقشار آگاه و نخبگان و فعالان کل ایران است، آن ساختارهای غیردموکراتیک سیاسی چون عدم وجود انتخابات آزاد، ممنوعیت احزاب سیاسی و تشکل‌های صنفی مستقل، ممنوعیت رسانه‌های آزاد و غیره که کل مردم ایران را از حقوق دموکراتیک خود محروم نموده، آن تبعیضات جنسی و اجتماعی که همزاد جمهوری اسلامی است و دامن زنان و تهدیدکننده‌ی کشورمان را گرفته، شامل کردستان نیز می‌شود، اما هیچکدام از موارد دهگانه‌ی فوق مشمول مناطق مرکزی ایران نمی‌شود. بنابراین کمیت و کیفیت و علت و انگیزه‌ی ستم بر کردستان متفاوت از ستم بر مناطق مرکزی ایران است. در یک کلام: رژیم‌های حاکم بر ایران با کردستان با اعمال ستمی ملی‌ای که بر آن رواداشته‌اند، چون یک سرزمین مستعمره تعامل نموده‌اند.

۲) وضعیت پیشگفته موجب یک خودآگاهی جمعی و بر بستر آن پیدایش یک جنبش رهائی‌بخش در کردستان شده

۱) کردستان ایران - و اینجا مقصود مناطق چهارگانه‌ی استان کردستان، استان ایلام، استان کرمانشاه و مناطق کردنشین استان آذربایجان غربی می‌باشد - به‌ویژه در طول نود - صد سال اخیر با محرومیت‌ها و تبعیضات گوناگونی روبرو بوده است. موارد برشمردی ذیل از مصادیق این محرومیت‌ها و تبعیضات می‌باشند: یک) محروم ساختن مردم این خطه از بخشی از حقوق شهروندی و تقلیل آنها به شهروندان درجه دو و سه با مستمسک مذهبی و به دلایل سیاسی [به تلافی مقاومت این مردم در مقابل ستم و زورگویی]، دو) سلب حق تعیین سرنوشت از آنها در وجه عمومی خود، سه) سلب حق حاکمیت منطقه‌ای از آنها در چهارچوب ایران، چهار) ممانعت از مشارکت کلکتیو آنها در حاکمیت سیاسی کل کشور، پنج) پراکندن ارگانیک آنها و تحمیل تقسیمات کشوری تبعیض‌آمیز بر آنها بر مبنای تمهیدات امنیتی برای مهار آنها، شش) اعمال تبعیضات فرهنگی بر آنها جهت محو مؤلفه‌های فرهنگی آنها چون زبان از طریق ممنوعیت آموزش زبان کردی، هفت) اعمال آگاهانه‌ی محرومیت‌های عیان و نهان اقتصادی و ممانعت هدفمند از رشد و اعتلای زیرساخت‌های اقتصادی کردستان با پیامدهای گسترش زمینه‌های مهاجرت کادر متخصص، نیروی کار ارزان و سرمایه به شهرهای مرکزی ایران، هشت) میلیتاریزه‌کردن کردستان و سرکوب خشن مطالبات و حرکت‌های عدالتخواهانه و آزادیخواهانه و مدنی این منطقه و ارتکاب جنایات بزرگ در حق مردم این منطقه بدون عواقب کیفری برای آمران و عاملان این جنایات و در موارد متعددی حتی ارتقاء سمت و ترفیع شغلی آنها (مانند مورد حسنی که به سبب قتل عام مردم بی‌دفاع کرد به "نماینده‌ی رهبر" ترفیع درجه یافت و یا آقای احمدی نژاد و وزیرای وی که سال‌ها در کردستان جنایت آفریدند، در ترور و سرکوب مشارکت مستقیم داشتند و بعدها به پاس این 'خدمات' به مدت هشت سال تمام در رأس هرم حکومت قرار گرفتند)، تحقیر سیستماتیک مردم این دیار و مناطق سنی‌مذهب دیگر کشور چون بلوچستان، ترکمن صحرا، ... از راه رسانه‌ها



یادی از هفت مبارز دمکرات و قربانیان منافع نامشروع

کاوه بهرامی ترجمه: کردستان

حزب دمکرات کردستان ایران به درازای تاریخ مبارزات بی‌وقفه خود در راستای اهداف جنبش ملی دمکراتیک مردم کردستان، منافع عالی‌یه ملت کرد در تمامی بخش‌های کردستان را مقدم بر منافع خویش شمرده و در این راه نیز حاضر به هر گونه فداکاری و گذشتی بوده است.

در این مطلب یادی از هفت مبارز نستوه حزب دمکرات خواهیم نمود که در ۲۸ مهرماه ۱۳۷۵ به طرزی نامستولانه و مغایر با تمامی مبانی انسانی و ملی از سوی جنبش اسلامی کردستان عراق به جمهوری اسلامی ایران تحویل داده شدند.

هورامان، در هر دو بخش کردستان ایران و عراق همواره سنگر مبارزه و ایستادگی بوده است. مردم این منطقه نیز همواره حامی و پشتیبان مبارزان دمکرات بوده و در هر فرصتی، سیر دفاع از موجودیت ملتمان بوده‌اند.

پس از انقلاب ملیت‌های ایران، منطقه‌ی هورامان به مدت چندین سال مأمون و سنگر مبارزان حزب دمکرات بوده و در بسیاری از مواقع، مبارزان کردستان عراق نیز در این منطقه مأوا گزیده‌اند و در بسیاری از موارد و شرایط حساس نیز مردم این منطقه و مبارزان را یاری نموده و برای پیشبرد مبارزات ملی کردستان ایران آنان را و وجه‌المصالحه قرار نداده‌اند و هیچ‌گاه استراتژی را فدای منافع محدود و تاکتیکی‌های روزمره ننموده‌اند.

از آنجا که منطقه‌ی هورامان سال‌ها تحت کنترل و شاهد مبارزات قهرمانانه‌ی نیروی پرتوان "شاهو"ی حزب دمکرات بود و بسیاری از نیروهای سیاسی کردستان عراق نیز به این منطقه روی می‌آوردند، مبارزان دمکرات فضایی را ایجاد نموده بودند که در آن نیروهای سیاسی سایر بخش‌های کردستان نیز در فضایی دوستانه و صمیمانه با یکدیگر تعامل می‌نمودند.

مبارزان دمکرات به دلیل احساسات پاک و میهن‌پرستانه‌ی خود و آگاهی از سابقه‌ی همکاری‌های گذشته‌ی میان نیروهای سیاسی منطقه، در ۲۸ مهرماه ۱۳۷۵ پس از بازگشت از مأموریتی در هورامان، هنگامی که در روستای "عنب" از توابع حلبچه به یکی از پایگاه‌های جنبش اسلامی کردستان عراق رسیدند، با اصرار اعضای این سازمان به سرپرستی شخصی به نام "انور عنبی" روبرو می‌شوند که از اعتماد مبارزان دمکرات سوء استفاده نموده و به بهانه‌ی رفع خستگی، آنان را به استراحتی کوتاه دعوت نمودند تا پس از آن به سوی پایگاه‌های حزبی

و یقیناً اقداماتی را نیز در راستای نوسازی این تقسیمات انجام خواهد داد. پرسش اینجاست که ملاک و معیار ما برای ایجاد این نوسازی چه خواهد بود و آیا پایند به ضوابط دمکراتیک خواهیم بود؟ همانطور که در دوره‌ی مشروطه بحث "ایالت" و "ولایت" همزمان مطرح بود، در بحث کنونی فدرالیسم هم تنها ایالت مطرح نیست، بلکه در درون این ایالت‌ها باید واحدهای اداری محلی داشته باشیم که می‌توانند با تغییراتی همان استان‌های کنونی باشند. بطور مشخص، کردستان ایران از مناطق چهارگانه‌ای تشکیل خواهد شد که در ابتدای این سیاهه نام برده شدند. هر ایالتی خود تعیین خواهد نمود که در چهارچوب آن چند واحد استانی خواهد بود. به تصور من در ایالت کردستان به استانهای کردستان، ایلام و کرمانشاه استان مکریان از مناطق کردنشین آذربایجان غربی اضافه خواهد شد و به احتمال زیاد در این خطه تنها تغییر این نظام سیاسی دیگری بدون دمکراسی، تنش‌زاست. و چنانچه به دمکراسی باور راستین داشته باشیم، باید تبعات آن را نیز بپذیریم. فرض کنیم فردا "فدرالیسم استانی" داشته باشیم و این فدرالیسم فراتر از یک "فدرالیسم اداری" باشد و منظور که برخی از جناح راست اپوزیسیون می‌گویند، این نظام "حکومت‌های محلی" هم داشته باشد. آیا می‌توان دلیل منطقی برای مخالفت با ادغام این استان‌ها و یا "حکومت‌های محلی" در یکدیگر بر مبنای خواست ساکنان آنها اقامه نمود؟ و اگر هم مخالفتی نداشته باشیم، نتیجه برای نمونه در ارتباط با کردستان به احتمال بسیار زیاد در بُعد کوتاه‌مدت یا درازمدت این خواهد بود که این واحد جغرافیایی [حالا هر نامی هم چون استان، ایالت، حکومت محلی، حکومت اقلیمی، ... داشته باشد] از مناطق کردنشین چهارگانه تشکیل خواهد شد. لذا التزام به دمکراسی نیز به تنهایی کافی است که تمایل پیشروان سیاسی کردستان برای تشکیل ایالت ملی - جغرافیایی کردستان در چهارچوب نظام فدرال دمکراتیک ایران محترم شمرده شود.

پایان سخن: شایسته است که نقطه‌ی عزیمت هر آنکه کرد و روان کردی را می‌خواهد بفهمد، نه تأکید شعاع‌گونه بر ایرانی‌بودن کردها [که بیشتر چون عذر بدتر از گناه می‌ماند]، نه پافشاری بر تمامیت ارضی ایران [که فی‌النتیجه از سوی کردستان مورد سؤال قرار نگرفته و لذا تکرار آن ملال‌آور است و نتیجه‌ی معکوس دارد] و نه وعده‌ی دمکراسی و حقوق برابر شهروندی [که از سوی پیشروان کرد چون مستمسک و گریزی برای عدم پذیرش اصل مسأله نگریسته می‌شود]، بلکه محترم شمردن و به رسمیت شناختن تلاش‌های تاریخی این ملت برای دستیابی به حق تعیین سرنوشت خود و تمکین به اراده‌ی آن برای رفع ستم ملی و پذیرش واحد ملی - جغرافیایی کردستان در چهارچوب یک نظام دمکراتیک فدراتیو در ایران برای صیانت از آن باشد. حفظ تمامیت ارضی ایران تنها در پرتو محترم شمردن حق حاکمیت ملی کرد در ایران ممکن است و نه نفی آن. این باید آویزه‌ی گوش هر ایرانی مسئول و دمکراتی باشد که دل در گرو استقرار دمکراسی واقعی در ایران یکپارچه دارد. به هر روی، آنچه هر ایرانی قبل هر چیز باید در مورد کردستان بداند، این است که کرد برای سروری و کیسان ملی خود ترجیحا در چهارچوب ایران مبارزه می‌کند و اما یکدک هیچ دولت و اپوزیسیونی - چه ناسیونالیست و چه اسلامیت - نیست. کردستان را باید با این اراده و ویژگی‌های شناخت و پذیرفت و پتانسیل مبارزاتی آن را در مسیر رهائی و دمکراتیزاسیون کل ایران قرار داد.

آلمان ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۳

دهه‌ها زمان لازم است تا جراحات و ضربات روانی مهلکی که ملت کرد از باورداشتن به حکومتگران "هم‌تیره" و "هم‌نژاد" ایرانی متحمل گردیده، التیام یابد

این بحثف استان‌های کوچک قدرت کافی برای عرض اندام در مقابل حکومت مرکزی را نخواهند داشت که لازمه‌ی دمکراسی در کشوری چندملیتی است. از این گذشته، یکی از سرچشمه‌های بحران مورد بحث تمرکز قدرت سیاسی است. فدرالیسم اداری [و نه سیاسی] مشکل تمرکز و تراکم سیاسی را حل نخواهد کرد. پنج در روان کردی به دلیل تجربه‌ی منفی و تلخ حداقل صد سال اخیر جنبش کردی با حکومت‌های مرکزی ایران نوعی بدگمانی و بدبینی نهادی نسبت به این حکومت‌ها وجود دارد. نخبه‌ی کرد می‌داند که میزان صداقت دولت ایران - هر دو نوع شاهی و شیخی‌ان - حتی قابل قیاس با دیگر دولت‌های سرکوبگر چون ترکیه و عراق و سوریه نبوده و نیست و جایی برای باور به آن، اعطای اختیارات زیاد به آن و به‌ویژه دادن چک سفید باقی نمی‌گذارد. حکومت‌های مرکزی تاکنونی ایران از همه‌ی قماش‌های آن تاکنون چیزی جز تهدید برای جنبش کردی نبوده‌اند. نفس این مسأله اتخاذ سیاست واحد کردی - حتی در یک نظام دمکراتیک و فدرال - را ایجاب می‌کند. دهه‌ها زمان لازم است تا جراحات و ضربات روانی مهلکی که ملت کرد از باورداشتن به حکومتگران "هم‌تیره" و "هم‌نژاد" ایرانی متحمل گردیده، التیام یابد. ششش) وجه هزینه‌ی نظام سیاسی نیز از اهمیت کمی برخوردار نیست. بدیهی است که هزینه‌ی نظام سیاسی فدرال در قیاس با حکومت دمکراتیک مشابه بالاتر است؛ ما در کشوری چون ایران به هر حال یک دولت فدرال سراسری و منلا شش - هفت دولت منطقه‌ای خودمختار خواهیم داشت. هر یک از این دولت‌ها نیز از سه قوه‌ی اجرایی، قضایی و قانونگذاری خود برخوردار خواهند بود. طبیعی است اگر این تعداد - مثلا به تناسب استان‌های کنونی - به ۳۱ مورد افزایش یابند و به انضمام دستگاه سه‌گانه‌ی دولت مرکزی فدرال به ۳۲ دولت برسند، نسبت هزینه‌ها حداقل چهار برابر خواهد گردید. این نه معقول است و نه با رسالت نظام فدرال همخوانی دارد. (آلمان با جمعیت ۸۱ میلیونی خود ۱۶ ایالت دارد و چند ایالت آن تنها از یک شهر یا دو شهر تشکیل شده، لذا همواره بحث‌های جدی برای ادغام ایالت‌های کوچک و بزرگ همجوار با هدف کاستن از هزینه‌ی دولتی در جریان بوده، اما این هدف با مراجعه با آراء عمومی مردم این مناطق تاکنون تحقق نیافته است). هفت) این تصور که با استقرار نظام فدرال تقسیمات کنونی اداری کشور به کلی متلاشی و این منشاء مشکلات دیگری خواهد شد، چندان واقعی نیست. این تقسیمات تنها زمانی باید دستخوش تغییرات گردند که مورد تبعیض و تنش شده باشند و یا با خواست و اراده‌ی مردم شهرها و مناطق مربوطه منطبق نباشد. فراموش نکنیم که تقسیمات کشوری هیچگاه تابو نبوده و تقریباً هر حکومتی تغییراتی را در آن به وجود آورده است. در ابتدا ما واحدهای ایالتی و ولایتی داشته‌ایم. لذا خارج از موضوع فدرالیسم، هر حکومت دمکراتیکی که در ایران بر سرکار بیاید، با این مسأله روبرو خواهد بود

و پایه‌ریزی نوین آن بر مبنای اراده‌ی دمکراتیک مردم شهرهای مربوطه می‌باشد. دو) تشکیل واحد ملی - سیاسی کرد در چهارچوب ایران فدرال ناظر بر تئوری کیان ملی کرد نیز است. به عبارت دیگر کیان [شخصیت/ خودآگاهی] ملی بنیان و شالوده‌ی رهائی ملی کرد به لحاظ تئوری و پراکتیک می‌باشد. پیشروان کرد در پی تکوین این شالوده‌ی سیاسی - فرهنگی که در حال حاضر خود را در وجود احزاب متفاوت و زبان کردی می‌نمایاند، به یک واحد ملی - دولتی می‌باشند. ملت کرد به این استنتاج رسیده است که بدون دستیابی به یک واحد دولتی [منطقه‌ای یا مستقل] از ستم جمعی و کلکتیوی که بر وی روا داشته می‌شود رهائی نخواهد یافت، پیشرفت ساختاری کردستان ممکن نخواهد بود و همواره در معرض تهدیدات نظامی و فرهنگی ملت - دولت‌های فرادست خواهد بود. بنابراین تشکیل دولت کردی جنبه‌ی تدافعی و صیانتی دارد. در همه‌ی احزاب کردستان ایران [به انضمام سازمان کردستانی حزب کمونیست ایران - کومله که در پی "حاکمیت مردم کردستان" است و برای آن برنامه‌ی مدونی هم دارد] وجه ملت‌گرایانه و رهائی‌بخش مبارزه محوری و تعیین‌کننده است، چرا که ملت کرد در گذشته نه تنها بعنوان شهروندان ایرانی، بلکه همچنین و به‌ویژه به مثابه‌ی کرد تحت تبعیض و ستم بوده است. این ستم یک ستم کلکتیوی و جمعی بوده است. برای فائق آمدن بر آن اعطای حقوق شهروندی لازم است، اما کافی نیست، بلکه علاوه بر آن مکانیسم و صلابت ارگان‌های دولتی لازم است که در آینده از چنین تبعیضاتی ممانعت و از موجودیت و هویت سیاسی و ملی و فرهنگی جمعی کرد صیانت کند. سه) یکی از جوهره‌های اصلی فدرالیسم، زبان و فرهنگ و اعطای خودمختاری در این زمینه است. برای فائق آمدن بر آسیملاسیون فرهنگی که در طول چندین دهه بر ملت کرد روا داشته‌اند، دنبال‌کردن یک سیستم فرهنگی و زبانی واحد در گستره‌ی کل کردستان (هر چهار استان) لازم است. به هر حال در ایالت [یا استان‌های] کردستان نظام آموزشی و فرهنگی و اداری و ... بر اساس زبان کردی دایر می‌گردد. مبانی و سیاست‌های مربوطه باید در یک پارلمان میان‌استانی تدوین و تصویب شوند و از سوی یک دولت ایالتی اجرا شوند، مخصوصاً با عنایت بر این واقعیت که استان‌های مورد نظر آن چنان وسیع و پر جمعیت نیستند که نتوان از آنها یک واحد سیاسی - جغرافیایی تشکیل داد (نفوس کل استان‌های کردنشین احتمالاً به جمعیت تهران نرسد که تنها یک شهر است). چهار) در بحث فدرالیسم از تناسب قوا بین دولت‌های ایالتی از سویی و دولت فدرال از سویی دیگر سخن در میان است. بر مبنای

ملت کرد در گذشته نه تنها بعنوان شهروندان ایرانی، بلکه همچنین و به‌ویژه به مثابه‌ی کرد تحت تبعیض و ستم بوده است. این ستم یک ستم کلکتیوی و جمعی بوده است. برای فائق آمدن بر آن اعطای حقوق شهروندی لازم است، اما کافی نیست

بازتاب

فاتح صالحی

همه‌ی وعده‌های رئیس‌جمهور (ماده دوم)

حسن روحانی که با دادن وعده و وعده‌های فراوان به مردم ایران و ۱۰ وعده به مردم کردستان روی کار آمد، اکنون به آهستگی هم خود و هم مردم به ستوه آمده‌ی ایران و به ویژه ملت کرد درمی‌یابند که وعده‌های وی تنها ابزاری برای فریب مردم بودند. در شماری گذشته از اولین ماده‌ی منشور ۱۰ ماده‌ای حسن روحانی در رابطه با ملیت‌های ایران سخن به میان آوردیم و در این شماره به ماده‌ی دوم می‌پردازیم.

ماده‌ی دوم: "مشارکت عمومی فارغ از زبان و مذهب در مدیریت‌های کلان کشور و اجرای اصل شایسته‌سالاری در همه سطوح سیاسی - اداری به گونه‌ای که تمامی شهروندان و هم‌میهنان در شرایط یکسان امکان مشارکت و تصدی در کلیه سطوح تا عضویت کابینه را داشته باشند."

این وعده‌ی ابتدایی حسن روحانی که حق همه‌ی ملیت‌ها و شهروندان هر کشوری می‌باشد، سبب گردید که بخشی از مردم کرد و به‌ویژه به اصطلاح اصلاح‌طلبان کرد سر از پا نشناسند و پس از اتمام انتخابات، افراد معتمد خویش را به حسن روحانی پیشنهاد دادند تا در مدیریت کلان کشور از آنها استفاده نماید. در این میان دکتر بیژن ذولفقارنسب را به عنوان کاندیدای وزارت ورزش و جوانان به حسن روحانی معرفی نمودند. اما دیدیم که حتی اسم نامبرده هم به عنوان نامزد تصدی این پست به مجلس شورای اسلامی فرستاده نشد. حتی در سطح استانداری‌ها هم افرادی مثل حسین فیروزی و چند کرد دیگر را مطرح نمودند تا به عنوان استاندار در دولت روحانی ایفای نقش کنند و وعده‌های روحانی عملی گردد، اما همچنان که مشاهده نمودیم، این امر هم محقق نگشت و مشکلات موجود در جناح‌های رژیم و نگرش منفی و امنیتی آنها به ملیت‌های ایران و اقلیت‌های مذهبی باعث گردید که این وعده‌ی حسن روحانی هم به فراموشی سپرده شود چراکه روحانی به خوبی به این امر واقف است که جناح‌های تندرو و افراطی رژیم که منبع قدرت و ثروت در ایران هستند و حتی خود اصلاح‌طلبان نیز اجازه‌ی چنین مشارکتی را به افراد غیرشیعه‌ی اثنی‌عشری و غیر فارس‌زبان نداده و در این راستا هم از هرگونه کارشکنی و ناجوانمردی دریغ نمی‌کنند.

اهدای چهره پس از مرگ



برای ایزابل دینواری فرانسوی صورت گرفت.

بلژیک پس از فرانسه و اسپانیا، سومین کشور اروپایی است که کاشتن چهره در آن انجام می‌گیرد.

روی لب‌ها کوتاه می‌شد.

با انجام این عمل جراحی، تعداد عمل‌های جراحی کاشتن چهره به عدد ۱۹ می‌رسد که نخستین آن، در سال ۲۰۰۵ با کاشتن نیمه‌ی چهره

قسمت باین چهره‌ی شخص بیمار را شامل می‌شود.

پلوندل همچنین گفت که از لحاظ پوست چهره با مشکل روبرو بودیم چرا که در قسمت‌های میانی چهره و

نخستین عمل جراحی کاشتن چهره در بلژیک توسط تیم پزشکی بیمارستان «گاند» در شمال غرب این کشور انجام پذیرفت و بر اساس اطلاعیه‌ی پزشکی، این عمل جراحی با موفقیت پایان یافته است.

در یک عمل جراحی ۲۰ ساعته، تیم پزشکی پروفیسور «فیلیپ پلوندل»، چهره‌ی شخصی را که قبل از فوتش با اهدای چهره‌اش به شخصی دیگر پس از مرگ موافقت نموده بود، برای یک بیمار بلژیکی که چهره‌اش دچار آسیب‌دیدگی شدید شده بود، استفاده نموده و جایگزین نمودند. خانواده‌ی بیمار و همچنین خانواده‌ی شخص اهدا کننده نخواستند که نام و مشخصات خود را فاش نمایند.

پروفیسور پلوندل در یک کنفرانس مطبوعاتی تأکید نمود که بیمار مورد نظر پس از ۶ روز که از انجام عمل جراحی می‌گذرد، در وضعیت مناسب و خوبی به سر می‌برد.

وی افزود: «بیمار مقداری آب نوشیده و سخن نیز گفته است، این غیر منتظره بود، ما فکر می‌کردیم که بیمار در مدت کمی پس از عمل جراحی نمی‌تواند به آسانی سخن بگوید».

این عمل جراحی که توسط یک تیم ۶۵ نفری انجام شد، تغییر کامل

بارش الماس بر سطح مشتری و زحل

این دو دانشمند به این نکته اشاره نمودند که سیاره‌ی زحل با روکش سختی از الماس پوشیده شده است، اما این روکش به صورت مایع بر روی مشتری وجود دارد.

دانشمندان بر این عقیده بودند که تا این اواخر تنها دو سیاره‌ی اورانوس و نپتون با روکش الماس پوشیده شده‌اند، زیرا دمای آنها بسیار پایین است. این باعث می‌شود که این روکش به صورت سخت باقی بماند.

دانشمندان اعلام نمودند که بر سطح سیاره‌های مشتری و زحل باران شدیدی باریده است که قطره‌های باران، تکه‌های بسیار بزرگ الماس بوده‌اند و سطح هر دو سیاره را پوشانده است.

بر اساس اطلاعاتی که درباره‌ی این دو سیاره در دست می‌باشد، تراکم این دو سیاره بسیار زیاد و گرمای درونی آنها بسیار بالا می‌باشد که باعث می‌شود مواد و فلزات سختی در آنها ایجاد شوند و پس از فوران نمودن، از آسمان بر سطح آنها بارند.

بر اساس نظر دو کارشناس فیزیک کیهانی به نام‌های "کوبین بینیس" از دانشگاه ویسکانسین مادیسون و "مونا دل‌تسکی" از دانشگاه کالیفرنیا،

وجود تراکم بسیار زیاد بر روی هر دو سیاره می‌تواند باعث ایجاد اقیانوس الماس بر روی این دو سیاره شود.



زهر عنکبوت داروست

درد مزمن زمانی آشکار می‌شود که دستگاه عصبی و مغز وجود درد را در بدن دریافت می‌کند حتی اگر محل درد مشخص باشد.

در جهان ۱/۵ میلیارد نفر از دردهای مزمن رنج می‌برند و ایالات متحده آمریکا سالانه قریب ۵۶۰ میلیارد دلار در زمینه‌ی امور مربوط به سلامت و تندرستی و درمان بیماری افرادی هزینه می‌نماید که به دلیل کاهش سطح توانایی، مبتلا به دردهای مزمن می‌باشند.

مجله‌ی هفتگی "بلومبرگ بیزنس" اعلام کرده است که شرکت جانسون اند جانسون آمریکا با همکاری دانشگاه کوئینزلند استرالیا در صدد است تا در مدت یک سال آینده با استفاده از زهر عنکبوت بتواند دردهای مزمن را درمان نماید. بنابر تحقیقات انجام شده، زهر عنکبوت دارای ماده‌ی بتید می‌باشد که درد را کاهش داده و از بین می‌برد. تیم تحقیقاتی این شرکت به مدت ۱۰ سال است که در رابطه با زهر عنکبوت در حال تحقیق و بررسی است.